کالبدشکافی افعال در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | می 25, 2018

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم نقش افعال در زبان آلمانی را به طور دقیق مورد بررسی قرار بدهیم.

چنانچه هنوز با فعل آشنایت ندارید می توانید جزوء زیر را مطالعه کنید.

جزوء افعال در زبان آلمانی (کلیک کنید)

خب دوستان در قدم اول ، هر فعل می تواند آرتیکل یا حرف تعریف جمله ما را به ۴ حالت اسمی زیر ببرد :

Nominativ (برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید)

Akkusativ (برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید)

Dativ (برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید)

Genitiv (برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید)

که از این چهار حالت اسمی ، افعالی که به حالت Genitiv می برند کم ترین نقش را دارند ، یعنی تعداد افعالی که آرتیکل یا حرف تعریف جمله را به حالت اسمی Genitiv میبرند خیلی کم است و پس از آن از لحاظ کمی نوبت به Nominativ میرسد که تعداد آنها کمی بیشتر از Genitiv ساز هاست.

اما مهمترین نقش در این زمینه را افعالی بازی میکنند که یا Dativ ساز هستند و یا Akkusativ ساز ، برای همین موضوع می توانید بخش زیر در سایت را مطالعه کنید.

دورس افعال Akkusativ ساز یا Dativ ساز (کلیک کنید)

اما این تمام ماموریت افعال در زبان آلمانی نیست ، یعنی بعضی از آنها جدا از اینکه می توانند آرتیکل جمله ما را به چهار حالت اسمی گفته شده ببرند ، بلکه می توانند به همراه حرف اضافه بیایند ، یعنی اگر حرف اضافه داشته باشند ، آنگاه وظیفه تغییر آرتیکل یا حرف تعریف جمله به گردن حروف اضافه می افتد.

پس با توجه به توضیحات بالا ، هرگاه حرف اضافه در جمله داشته باشیم فارق از اینکه فعل Akkusaiv ساز Dativ ساز Nominativ ساز یا Genitiv ساز است ، نگاه کنیم که حرف اضافه ما ، از کدام دسته از حروف اضافه است.

برای درک بیشتر دروس زیر را مطالعه کنید.

حرف اضافه Akkusativ ساز (کلیک کنید)

حروف اضافه Dativ ساز (کلیک کنید)

تمامی حروف اضافه به همراه چند نکته (کلیک کنید)

حروف اضافه Akkusativ ساز یا Dativ ساز (کلیک کنید)

خب دوستان حال بیایم با یک مثال به ادامه درس بپردازیم.

سه فعل helfen, betreuen, antworten را در نظر بگیرید.

helfen به معنی کمک کردن است

در تفکر فارسی ما همواره (به کسی) کمک یا یاری میرسانیم یا (به کسی) کمک میکنیم که همین (به) نشانه از Dativ ساز بودن این فعل است.

حالا میدونیم که helfen یک فعل Dativ ساز است.

Ich helfe dir من به تو کمک میکنم

Er hat mir nicht geholfen

او به من کمک نکرد

پس ما هرگاه بخواهیم یک فعل را یادبگیریم باید پس از اینکه معنی آنرا در فارسی فهمیدیم ، بعدش ببینیم که سازنده کدام یک از حالت های اسامی می باشد و یا اینکه با کدام حروف اضافه می تواند بیاید.

ساختار یا فرمول ما برای این فعل اینگونه می شود :

helfen + Dativ

یعنی اول فعل با توجه به ضمیر جمله صرف می شود و سپس می بایستی اسم یا ضمیر جمله به حالت اسمی Dativ برود. که mir در واقع حالت Dativ ضمیر ich می باشد و یا dir حالت Dativ ضمیر du

حال به فعل antworten که همواره با حروف اضافه می آید ، توجه کنید:

antworten پاسخ دادن

در تفکر فارسی ما همیشه به چیزی پاسخ میدهیم ، اما در تفکر آلمانی ما همیشه (به روی) چیزی پاسخ میدهیم که این (به روی) حرف اضافه auf ما در آلمانی می باشد.

پس در تفکر آلمانی ما همواره auf چیزی پاسخ میدهیم که در اینجا می بایستی بدانیم حرف اضافه auf یک حرف اضافه Akkusativ ساز است.

پس ساختار یا فرمول ما برای این فعل اینگونه می شود.

antworten + auf + Akkusativ

یعنی اول فعل با توجه به ضمیر جمله صرف می شود و سپس حرف اضافه auf می آید و بعد از حرف اضافه auf آرتیکل یا اسم جمله ما به حالت اسمی Akkusativ تغییر شکل میدهد.

Ich antworte auf deinen Brief

من به نامه تو جواب یا پاسخ میدهم

تفکر آلمانی : من به روی نامه ات را پاسخ میدهم

برای درک بیشتر می توانید دروس افعال به همراه حروف اضافه را مطالعه کنید.

افعال به همراه حروف اضافه (کلیک کنید)

حال فعل betreuen را نیز بررسی میکنیم که به مفهوم : سرپرستی کردن ، مراقبت کردن ، محافظت کردن ، تحت پوشش قرار دادن

در تفکر فارسی ما همواره از کسی سرپرستی میکنیم ، یا از کسی مراقبت میکنیم که در حالت منطقی می بایستی این فعل Dativ ساز باشد ، اما اشتباه نکنید که ما در تفکر فارسی می توانیم (چیزی را یا کسی را) نیز سرپرستی کنیم ، یعنی فعل betreuen در تفکر ما فارسی زبان ها با توجه به معانی گفته شده ، گاهی می تواند Akkusativ ساز و گاهی Dativ ساز باشد ، اما در تفکر آلمانی این فعل همواره یک فعل Akkusativ ساز است. پس ما در تفکر آلمانی همواره (کسی را) مراقبت میکنیم ، (کسی را) سرپرستی میکنیم.

در دروس Akkusativ یا Dativ ما به تمامی این نکات و تفاوت تفکرها پرداخته ایم، که لینک دسترسی به این دروس را در بالا قرار داده ام.

eine Reiseleiterin betreut die Gruppe

یک خانم راهنمای (تورهای توریستی) گروه را سرپرستی میکند.

با توجه به این درس ، درک کردیم برای یادگیری زبان آلمانی ، تنها یادگیری معنی آن فعل یا لغت کافی نیست ، بلکه باید به طور دقیق آنرا مورد بررسی قرار بدهیم ، و یا به زبان ساده تر کالبدشکافی کنیم و دل و روده یک لغت یا فعل را بریزیم بیرون و ببینیم که چه کار است و چه کارهای قرار است برای ما در جمله انجام بدهد.

با روش گفته شده و همچنین ساده تر و ساخت جملات آسان با آن فعل ، به خوبی و راحت تر زبان آلمانی را خواهید آموخت

هنوز سوال داری که چگونه کالبدشکافی میشه کرد؟ از کجا فهمید کدام فعل Akkusativ یا کدام Dativ است؟

هیچ نگران نباش ، من پیشنهاد میکنم این بخش از سایت را مطالعه کنید.

Akkusativ یا Dativ مسئله این است! (کلیک کنید)

کالبدشکافی به سبکی دیگری :

چنانچه کسی به ما یک موضوع را بگوید : یعنی بگوید :تو باید امروز به مدرسه بروی و ما بخواهیم تایید کنیم ، آنگاه می گوییم ، باشه من به مدرسه میروم. یا اینکه اگر ما به کسی بگوییم که من باید به مدرسه بروم ، آنگاه به ما گفته می شود : خب یا پس برو به مدرسه

چرا اینها را گفتم؟

برای اینکه با gut و denn نیز به خوبی آشنا بشوید.

به مثال زیر توجه کنید:

Du musst die Sätze abschreiben

تو باید این جمله را از رو بنویسی

Gut, ich schreibe die Sätze ab

باشه من این جمله را از رو می نویسم

حال اگر بخواهم من به کسی بگوییم که باید از روی این جمله رو نویسی کنم ، آنگاه اونم میگه خب از روش بنویس

Dann schreib sie doch ab

خب ، اون را رو نویسی کن! ب

نکته گرامری : اگر توجه کرده باشید وقتی می گویم باید آن جمله را رو نویسی کنم ، آنگاه در پاسخ گفته می شود : خب ، (اون را) رو نویسی کن! یعنی اینکه ما به آرتیکل یا حرف تعریف اسم اول برمیگردیم که در اینجا die Sätze بود و در پاسخ باید و باید با توجه به آرتیکل اسم جمله اول ، به آن اشاره کنیم که در پاسخ گفتیم :

Dann schreib sie doch ab

خب ، اون را رو نویسی کن!

نکته دیگر گرامری : امری کردن فعل جمله است و استفاده از doch برای تاکید.

جزوء امری کردن در زبان آلمانی (کلیک کنید)

اما با توجه به توضیحات گفته شده در ابتدای درس ، برویم به سر وقت فعل جمله یعنی abschreiben که یک فعل جدا شدنی می باشد یعنی بخش دوم آن schreiben می بایستی با توجه به ضمیر صرف بشود و بخش اول آن یعنی ab می بایستی به انتهای جمله برود ، که این قرارداد تا زمانی پا برجاست که ما هیچ فعل کمکی در جمله نداشته باشیم. یعنی در مثال بالا چون ما فعل کمکی müssen را داشتیم (باید صد در صدی) ، آنگاه فعل جداشدنی abschreiben به همان شکل به انتهای جمله رفت ، اما در پاسخ ، چون دیگر فعل کمکی نداشتیم ، قرارداد بالا را رعایت کردیم.

گفتم müssen (باید صد در صدی) این یعنی چی ؟

یعنی در زبان آلمانی ما یک باید صد در صدی داریم که müssen است و یک باید پنجاه درصدی که کمی اختیار را نیز به طرف میدهد , در فارسی به آن می گوییم : می بایستی اما در آلمانی می گوییم sollen

تفاوت müssen و sollen چیست؟

برای پاسخ به این سوال ، این جزوء را مطالعه کنید (کلیک کنید)

abschreiben یک فعل جدا شدنی می باشد

کپی کردن ، از رو نوشتن ، سرقت ادبی کردن ، مبلغی را از جمع حسابی کم کردن ، کتباً پاسخ دادن

خب ببینیم اول Akkusativ ساز است یا Dativ ساز :

در تفکر آلمانی همانند فارسی ما همواره (چیزی را) رو نویسی میکنیم که این (چیزی را) یعنی اینکه این فعل یک فعل Akkusativ ساز است. اما فراموش نکنیم که در تفکر فارسی ما این فعل را می توانیم با حروف اضافی همانند (از : از روی دست کسی) یا اینکه (از کتاب) کپی برداری کنیم، که این (از) ها در تفکر آلمانی چی می شوند یا اصلا ما می تواند فعل abschreiben را با حروف اضافه بکار ببریم؟

بله می توانیم ، اونوقت توی فارسی چه جوری معنی میشه؟

دقت کردید در فارسی گفته می شود از روی کسی نوشتن ، خب هرگاه این فعل abschreiben ما با حرف اضافه von بیاید ، یعنی از روی دست کسی نوشتن یا کپی برداری کردن.

von einem Mitschüler abschreiben

از روی دست همکلاسی نوشتن یا رونویسی کردن

که همان تقلب کردن خودمان است.

و حال اگر اشیاء باشد که معمولا کتاب ، جمله ، روزنامه و ... است ، آنگاه حرف اضافه aus بکار برده می شود

اما به غیر از die Tafel باید از von استفاده شود.

von der Tafel abschreiben

از روی تخته کلاس رو نویسی کردن

مثلا : معلم چیزی نوشته است حال ما می خواهیم از روی آن رو نویسی کنیم.

Diese Stelle hat er wörtlich aus dem Buch eines Kollegen abgeschrieben

او این بخش از متن یا نوشته را واژه به واژه یا کلمه به کلمه از روی کتاب یکی از همکاران کپی برداری کرده است یا رو نویسی کرده است.

اما این تمام داستان و ماجراهای فعل abschreiben نیست ، یعنی چه؟ یعنی بازم باید کلی مطلب به خاطر یه فعل یاد بگیریم؟

بله باید کلی مطلب یاد گرفت ، چون زبان آلمانی همانند خود آلمانی ها بر اساس یک سری قوانین پیش میروند.

این فعل abschreiben می تواند گاهی Reflexiv هم باشد ، این دیگه چیه؟

مگه ما در فارسی نمیگیم : من این نوشته را برای خودم می نویسم یا رو نویسی میکنم ، یا مگه نمیگیم : اون برای خودش می خواهد از روی اون نوشته کپی برداری کند.

در تفکر آلمانی نیز به همین صورت است : یعنی اگر برای خودم یا برای خودش را بخواهیم با این فعل مورد استفاده قرار بدهیم آنگاه می شود :

sich einen Artikel aus einem Buch abschreiben

برای خود یک گزارش یا مقاله را از یک کتاب رونویسی کردن یا کپی برداری کردن

برای درک افعال انعکاسی یا Reflexiv می توانید این جزوء را مطالعه کنید:

جزوء افعال انعکاسی (کلیک کنید)

پس برای یادگیری بهتر و اصولی تر زبان آلمان ، بهتر است از روش های گفته شده در این درس استفاده کنیم و با صبر و تحقیق در ارتباط با یک فعل ، آنرا یاد بگیریم نه فقط با رجوع کردن به فرهنگ لغت و فهمیدن معنی آن در فارسی.

چند مثال دیگر :

Du musst genau zuhören

Gut, ich höre genau zu

تو باید دقیق گوش بکنی

باشه ، من دقیق گوش میکنم

Ich muss genau zuhören

Dann hör genau zu

من باید دقیق گوش کنم

خب دقیق گوش کن!

Du musst den Termin absagen

Gut, ich sage ihn ab

تو باید آن قرار ملاقات را لغو کنی

باشه ، من آنرا لغو میکنم

Ich muss den Termin absagen

Dann sag ihn doch ab

من باید آن قرار ملاقات را لغو کنم

خب پس آنرا لغو کن!

Du musst Frau Müller anrufen

Gut, ich rufe sie an

تو باید به خانم مولآ زنگ بزنی

باشه ، من به اون زنگ میکنم

Ich muss Frau Müller anrufen

Dann ruf sie doch an

من باید به خانم مولآ زنگ بزنم

خب پس زنگ بزن به اون!

در فارسی اینگونه این جملات را می گوییم : خب پاشو برو زنگ بزن ، خب پاشو برو لغوش کن اون قرار ملاقات رو ، یا پاشو انجامش بده! و .... در تفکر آلمانی ما از dann و واژه تاکیدی doch استفاده میکنیم.

برای آشنایی با دیگر واژگان تاکیدی جزوء زیر را مطالعه کنید.

جزوء واژگان تاکیدی یا تاکید در جملات (کلیک کنید)

Du musst die Besucher vorstellen

Gut, ich stelle die Besucher vor

تو باید آن مهمان ها را معرفی کنی

باشه ، من آن مهمان ها را معرفی میکنم

یا بهتر است گفته شود :

Ich stelle sie vor

من آنها را معرفی میکنم

Ich muss die Besucher vorstellen

من باید آن مهمان ها را معرفی کنم

Dann stell sie doch vor

خب ، آنها را معرفی کن!

Du musst den Bericht vortragen

Gut, ich trage den Bericht vor

تو باید آن گزارش را به سمع و نظر دیگران برسانی

باشه ، من آن گزارش را به سمع و نظر دیگران میرسانم

یا اینکه آدم می تواند بگوید :

Gut, ich trage ihn vor

من آنرا به سمع و نظر دیگران میرسانم

Ich muss den Bericht vortragen

من باید آن گزارش را به سمع و نظر دیگران برسانم

Dann trag ihn vor

خب آنرا به سمع و نظر دیگران برسان!

Du musst übermorgen mitarbeiten

Gut, ich arbeite übermorgen mit

تو باید پس فردا همکاری کنی

باشه ، من پس فردا همکاری میکنم

Ich muss übermorgen mitarbeiten

Dann arbeite übermorgen doch mit

من باید پس فردا همکاری کنم

خب ، پس فردا همکاری کن!

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :